

غریبه خوردن ریشک پروردگاری (ج حسن) کاپستان ۵۵

ریشک حسن پاره‌های قاری ساخته ۶/۵ هر تار فاصله استریشک قاری می‌تواند سر تار برود  
ریشک علی اکبر را سر تار می‌تواند علی اکبر بعد از دیدن ریشک حسن با او مشغول صحبت  
می‌شود و از خیابان چالزاده ز وارد خیابان شاه می‌شود و در حالیکه مشغول صحبت بوده  
اند دو نفر جلوی آنها آمده یک از آنها گفت راه را فعلی اکبر بگیر و بگویند پارس‌گان  
می‌شود علی اکبر با او دست می‌کند پیروی می‌کند او می‌رود که دشمن عقب می‌رود و تمام کتکها  
از دست می‌دهد و زمین می‌افتد در این موقع علی اکبر سلاحش را می‌گیرد ولی دستش روی  
سینه می‌رود و شروع می‌کند و داخل یک کوزه می‌شود که در این موقع یک ساروکی  
از سر کوزه پایین را با سلسل تشنه گرفته و چند تیر پخش می‌کند که تمام کوزه را از  
پایه تار می‌شود ولی به پای او می‌خورد علی اکبر خود را با یک خیابان می‌رساند  
و ساروکی می‌شود و از تشنه شدن می‌شود اما از ریشک حسن خبر نمی‌گیرد در این وقت  
احتمالاً یک از دوستک زور ریشک و شهید شده است.

۱- وقتی علی اکبر تار می‌کند او هم تار کرده و در حال دیدن تار می‌شود استریشک خود را  
خبر از خیابان این حاکم می‌رساند و در آنجا می‌کند که می‌تواند تار کند می‌رود  
سپاه تار می‌شود.

۲- حاکم بعد از تار در خیابان این حاکم متفکر مابین می‌است ولی دوباره با کتکها  
برخورد کرده و او را با تار سلسل می‌زند و ریشک حاکم شهید می‌شود.

### انقاد و ریشک ریشک

ریشک تار داد حاکم ساروکی را تشنه کرده اند و دو نفری داخل خیابان شاه حرکت کرده اند  
در حالیکه حاکم می‌رود اند و کتکها جلوی آنها را می‌گیرند و حاکم می‌شود که در  
تک انقاد اند در اینجا باید تار کرد که هیچ کس علی السامه عمل نمی‌کند و کس به

حرکت نوبادی بر خود پاینده کردن به طریقی عمل جاری قرار گیرد باید دانست  
 مطابق با هر عمل طریقی انجام شود مگر پیوسته حرکت گشتی را به تمام جسم برسی کنیم تا  
 وقتی که درگیر شده به کسری حرکت را انجام داده است و اگر رتقا به خودشان را مانند به راه  
 میمانند و بیلا و اینکه گشتی بتواند طرح را اجرا کند می توان دست به عمل مطابق روش .  
انتقاد وارد به طریقی

طریقی وقتی درگیر شود صحت او را که در این روش می کند که در این صلاح ندارد و بدون  
 اینکه شاید بتواند صحت را بر روی خود نگه دارد اما اگر طریقی را که چنانچه بودند  
 جز در پایه دستها به عدد و اینکار عمل از دستشان خارج می شد و در نتیجه در این حسن  
 می توانستند که در این روش ضربه ای بود برای روحیه دشمن .

نتیجه حاصل از درگیری

۱- دیگر دیگر ثابت می ماند که نباید داخل خیابانهای اصلی در شهر حرکت کرد و اگر  
 کسی این فرار را در نظر کند به تمام خیابانهای که بالا می رود عدد رتقا بدست آمده  
 بهای نداده است .



طریقی که چنانچه طریقی را که ضربه زد به ضربه ها می خورد و این روش در حالیکه به  
 دشمن گتت شدید دانستند از این روحیه انقلابی بود ولی تا آنکه روحیه جنگ بود یعنی  
 تا آنکه روحیه تعرضی در این روش بدست می آید و این روش در واقع می تواند بود  
 تمام هر جا که این روحیه را نشان داده بود . همین ضعفها است که می تواند برای  
 جان رتقا دشمن را بگذرد دیگر در عمل ثابت می ماند که یک چنین باید روحیه تعرضی  
 داشته باشد در این صورت می تواند در مقابل دشمن حرکت را عمل مناسب نشان دهد  
 وجه به این ضعفها است که می تواند نشان دیگری شود همانطور که در عمل می بینیم .

- دنباله ۱ - در حال حاضر بهترین مکان برای حرکتنا کویچه ها هستند ، اگر دوشنبه ه  
هستیم و میخواهیم خیابان اصلی را قطع کنیم میتوانیم از همدیگر جدا شده و جداگانه  
از خیابان اصلی رد شدیم و وارد کویچه شدیم دوباره با هم صحبت کنیم .
- ۲ - رفیق حسن که مسلح نبود ثابت کرد که بدون اجازه هم میتوان در مقابل دشمن  
مکمل عمل نشان داد بنابراین تأیید است که میتوانیم با یک سعی کنیم زنده بدست دشمن  
نفتیم . نباید بصرف اینک مسلح نیستیم خودمان را تسلیم دشمن کنیم .
- حرکت